



## امر به معروف و نهی از منکر خرد و کلان / اثرگذاری نهی از منکر جمعی

آیت الله اراکی گفت: شرط اول در امر به معروف و نهی از منکر؛ علم به معروف و منکر است. کسی که می‌خواهد نهی از منکر کند باید عالم به معروف بودن، معروف و منکر بودن، منکر باشد.

آیت الله اراکی گفت: شرط اول در امر به معروف و نهی از منکر؛ علم به معروف و منکر است. کسی که می‌خواهد نهی از منکر کند باید عالم به معروف بودن، معروف و منکر بودن، منکر باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر مشروح جلسه چهل و هشتم درس خارج فرهنگ آیت الله محسن اراکی است که در ادامه می‌خوانید؛

### مقدمه

فرهنگ یک نظام ارزشی است که همه فعالیت‌های ارادی انسان را در برمی‌گیرد؛ مجموعه‌ای از داورهای ارزشی به هم پیوسته و متکامل درباره کلیه رفتارهای انسانی انسان که مجموعه ساختاری هماهنگ و واحدی را شکل می‌دهند. از سویی فرهنگ خاستگاه رفتارهای ارادی انسانی فردی و اجتماعی است و لذا هرگونه تغییر در رفتارهای فردی و اجتماعی، دگرگونی در نظام فرهنگی را می‌طلبد و نیز هرگونه تغییر در نظام فرهنگی، دگرگونی در شیوه‌های رفتار انسانی را به دنبال دارد به همین جهت بررسی این نظام اجتماعی از منظر فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام ضروری به نظر می‌رسد. در این سلسله دروس آیت الله محسن اراکی که مکتب علمی نجف و قم را توأمآ درک کرده است، به بررسی این مهم می‌پردازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

لزوم امر به معروف و نهی از منکر جمعی جهت تاثیرگذاری

بیان شد شرط اول در امر به معروف و نهی از منکر؛ علم به معروف و منکر است. کسی که می‌خواهد نهی از منکر کند باید عالم به معروف بودن، معروف و منکر بودن، منکر باشد و همین‌طور بدون اینکه علم داشته باشد بگوید انجام بده یا انجام نده نباشد و بداند که امر به معروف و نهی از منکرش اثر دارد؛ و الا اگر بگوید یا نگویید فرقی ندارد، اینجا تکلیفی ندارد. البته اگر احتمال اثر دارد ایرادی ندارد، اما اگر کسی یقین به عدم اثر دارد خب کار او لغو می‌شود، این را در آینده توضیح خواهیم داد که این احتمال اثر، اگر در این حد که می‌دانم من تنها بگویم اثر ندارد اما اگر من گفتم دیگری هم می‌گوید و سومی و چهارمی هم می‌گوید، این احتمال اثر است و یقین به عدم اثر نیست. می‌دانم اگر من بگویم دیگری هم می‌گوید و سه و چهار نفر هم می‌گویند و در این صورت احتمال تأثیر است و اینجا گفتنش واجب است. آن چیزی که واجب نیست چنین است که حضرت فرمود: «وَلَيْسَ عَلَى مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِي هَذِهِ الْهُدْيَةِ مِنْ حَرْجٍ إِذَا كَانَ لَا قُوَّةَ لَهُ وَ لَا عَدَدٌ»، تعدادی نیستند و یک نفر تنها در جمع است؛ و لَا طَاعَةَ. اگر ما عددی هستیم، در این جامعه این همه آدم متدین هستند، یک نفر بگوید دیگری هم می‌گوید سومی و چهارمی هم می‌گوید اینجا باید گفت. خب این اثر می‌شود، وقتی اگر آدم بداند که گفت ده نفر دیگر هم پشت سرش می‌گویند این یعنی اثر.

یعنی آن چیزی که عذر است علم به عدم اثر است؛ بدانیم که اثر ندارد؛ اما اگر احتمال اثر داشتن بدهید کفایت می‌کند. احتمال اثر داشتن تقویت می‌شود آنجایی که من بدانم اگر گفتم دیگری و سومی و چهارمی هم می‌گویند که حالا این از نوع بیان ترویجی است که قبلاً گفتیم، یعنی گفتیم گاهی بیان ترویجی واجب می‌شود یعنی کاری را کردم این موجب ترویج این کار می‌شود. اگر امام جمعه در خطبه‌ها گفت، این امام جمعه وقتی امر به معروف و نهی از منکر کرد اقلأ بیست نفر در این هزار یا دو هزار و سه هزار نفر پیدا می‌شوند حرف او را در جامعه بزنند، این ذوالعدد است و اثر می‌کند. این ترویج است. وقتی در برابر مردم یکی می‌آید از یک بازاری خرید کند و او می‌گوید خانم حجابت را درست کن، اگر یکی این کار را کرد بازاری دیگری هم جرأت می‌کند بگوید و سومی و چهارمی هم همین‌طور.

روایت دیگر که باز در شرط علم به معروف بودن معروف است را بیان می‌کنیم. البته احادیث دیگری هم هست که بتوان

استفاده کرد منتها آن احادیثی که صریح در این شرط است را بیان می کنیم. «مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْقَتَالِ فِي رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَالِمٌ يَمَّا يَأْمُرُ بِهِ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى»؛ حال این «رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى» مربوط به شرط سوم است که در آینده خواهیم گفت که شرط شیوه امر به معروف و نهی از منکر است. آنچه شاهد ما در این بحث است «عَالِمٌ يَمَّا يَأْمُرُ بِهِ» یعنی عالم به چیزی باشد که به آن امر می کند. این حدیث اگرچه از لحاظ سندی شروط فنی صحت سند را دارا نیست لکن چون مضمونش مؤید به احادیث دیگر است لذا بعمل به.

احتمال تاثیرگذاری؛ شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر

شرط دوم که احتمال تأثیر است و باز روایاتی را داریم که بر این شرط دلالت می کند. «وَعَنْ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ يَحْيَى الطَّوِيلِ صَاحِبِ الْمُقْرَى»؛ یحیی الطویل هم ثقه است چون از من بیرونی عنهم این ابن ابی عمیر است و من بیرونی عنهم الثلاثة ابن ابی عمیر و بنظری و صفوان این سه را ثقه می دانیم. «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ قَيِّعُظٌ أَوْ جَاهِلٌ قَيْتَعَلَمُ قَأَمَّا صَاحِبٌ سَوَظٌ أَوْ سَيِّفٌ قَلَا.»

به چه کسی باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ به کسی که یا جاهل باشد و نداند، وقتی آدم به او گفت بداند و در او اثر کند یا مؤمن به خدا و پیغمبر باشد که از گفتن به او موعظه می گیرد و اجتناب از حرام کند و تن به معروف بدهد؛ اما صاحب سوط و سیف نه. این نوع از روایات نظر به امر به معروف و نهی از منکرهای خرد دارد.

تبیین دو نوع امر به معروف و نهی از منکر خرد و کلان

ما این را در مباحث امر به معروف و نهی از منکر بحث کرده ایم که دو نوع امر به معروف و نهی از منکر داریم؛ یک امر به معروف و نهی از منکر کلان داریم که وظیفه کل جامعه است. اینکه می گوئیم احکامی داریم که این احکام به کلان جامعه متوجه است، این نوع از نهی از منکر مربوط به کلان جامعه است یعنی آن جامعه ای که امام همراهش است. این وظیفه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه امام جامعه است؛ این امر به معروف و نهی از منکر امر به معروفی است که توسط صاحب سوط انجام می گیرد، این کار او است، مثل کاری که سیدالشهدا علیه السلام کرد که وقتی خواست قیام کند فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا يَعْْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ يَالِإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ يَقُولٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»؛ و إنا أحقّ من غير»؛ اینجا این تکلیف اجتماعی است که ما می گوئیم تکالیف اجتماعی داریم که مجری تکالیف اجتماعی امام است البته به شرط وجود یار. وقتی امام یاور پیدا کرد اینجا یک تکلیف اجتماعی به وجود می آید، مکلف به این تکلیف اجتماعی مجموعه امام و مأمومین هستند. این تکلیف مخصوص امام است منتها به شرط وجود اعوان. سیدالشهدا علیه السلام به این تکلیف قیام کرد.

تکلیف رهبران دینی در امر به معروف و نهی از منکر کلان در صورت وجود یاور

یک تکلیف امر به معروف و نهی از منکر تکلیف من و شماست که تکلیف خرد است، تکلیف افراد است، این تکلیفی که تکلیف من و شماست تکلیف خرد است. ما بخواهیم یقه حاکمی را بگیریم، قبل اینکه ما یقه او را بگیریم او گردن ما را گرفته و ما را از بین می برد. این است که می فرماید: «قَأَمَّا صَاحِبٌ سَوَظٌ أَوْ سَيِّفٌ قَلَا»؛ این «صَاحِبٌ سَوَظٌ أَوْ سَيِّفٌ» کنایه از حاکم است یعنی تکلیف امر به معروف و نهی از منکر به حاکم مخصوص رهبران است. بله فقها هم همین طور هستند اگر فقیهی یاور پیدا کرد و دانست که اگر حاکم را نهی از منکر کند اتباع و انصار او از مؤمنان او را یاری می کنند تکلیف اوست که این کار را کند که از همان تکالیف اجتماعی است که مکلف به این تکلیف اجتماعی مجموعه حاکم و محکوم است. اما آن تکلیفی که تکلیف محکوم به عنوان یک مکلف خرد است، هو بنفسه کار به دیگران نداشته باشد، انسانی که کار به دیگران ندارد وقتی می تواند امر و نهی از منکر کند که بداند اثر می کند؛ آن وقت تکلیف او این نیست که با حاکم دست به یقه شود.

این موضوع از روایات دیگر استفاده می شود مثل همین روایت سیدالشهدا صلوات الله تعالی علیه یا روایتی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آخر خطبه شفشقه می فرماید: «وَالَّذِي قَلِقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ يُوْجِدُ النَّاصِرَ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقْرِؤُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَ لَا سَغْبٍ مَظْلُومٍ»؛ لِأَلْتَقِيَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبَهَا وَ لَسَقِيَتْ آخِرَهَا يَكْأَسُ أَوْلِيَهَا»؛ اینجا تصریح می کند که اگر ناصر نبود من در برابر این تکلیفی نداشتم اما در برابر این ظلمی که می بینم به مستضعفان می شود و این حق فقیر را پایمال کردن و کظة ظالم و سغب مظلوم در چنین شرایطی با توجه به قیام الحجة بوجود الناصر تکلیف بر من متعین خواهد شد. این همان تکلیف جمعی است.

## سنت الهی رهبران دینی در ظهور، قیام و غیبت

برای مثال برای امام حسین علیه السلام دوازده هزار نفر نامه نوشتند و گفتند که بیا «فَقَدِ احْضَرَ الْجَنَاتُ وَ أَيْتَعَتِ الْيَمَارُ وَ أَعَشَبَتِ الْأَرْضُ وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ فَإِذَا شِئْتَ فَأَقِيلْ عَلَي جُنْدٍ لَكَ مُجَنَّدٍ»، گفتند ما پول می دهیم و از نظر اقتصادی تو را پشتیبانی می کنیم. لذا اگر اعلام یاری نمی کردند حضرت هم نمی رفت و تکلیفش او هم نبود. اعلام یاری کردند و بعد حضرت مسلم علیه السلام را فرستاد. با حضرت مسلم علیه السلام بیعت کردند، تکلیف بر حضرت منجز شد.

این را ما گفته ایم این ها از سنن رهبران الهی است؛ رهبری الهی سنت دارد و یکی از سنت هایش همین است که اگر یآوری که اطاعت و یاری اش می کند پیدا کرد وظیفه اش این است که ظهور کند، این غیبت و ظهور سنت دارد. بعد اگر یاران اعلام یاری و خروج کردند دیگر حق برگشت ندارد. «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» در روایت داریم که اگر امام پادریکاب کرد دیگر حق ندارد برگردد؛ اگر شروع به اعلام جنگ کرده و قیامش را اعلام کرد حق برگشت ندارد. سیدالشهدا علیه السلام از مکه اعلام قیام کرد و خطبه خواند، «مَنْ كَانَ فِيْنَا بَادِلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ قَلِيْرَحْلُ مَعَنَا قَائِي رَاحِلٌ مُصِيْحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ این یرحل معنا اعلام قیام سیدالشهدا علیه السلام بود. اعلام قیام می گوید و وقتی در راه گفتند مسلم را کشتند دیگر راه برگشت نیست و باید ادامه دهد.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم